

## خلاقیت و راهبردهای ارتقاء نوشتن خلاق در درس نگارش پایه یازدهم

پریسا باستان<sup>۱</sup>، علی حسین باستان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی خلاقیت و راهبردهای ارتقاء نوشتن خلاق در دانش‌آموزان می‌باشد. این پژوهش مطالعه‌ای نیمه-تجربی به شیوه‌ی توصیفی در مورد راهکارها و شیوه‌های نوین نوشتن خلاق در دانش‌آموزان براساس پیشینه‌ی موجود و کاربست تجربی آن در دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم پایه‌ی یازدهم شهر اسلام‌آبادغرب است که برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شیوه‌های نوین آموزشی مانند به‌کارگیری داستان‌خوانی و داستان‌نویسی، نقد و ارزیابی نوشته‌های هم‌کلاسی‌ها، استفاده از موسیقی بی‌کلام جهت ایجاد حس آرامش و شکوفایی خلاقیت و سپس انعکاس آن در نوشتار، همچنین ارائه‌ی یک موضوع یا داستان به‌صورت نیمه‌تمام و ترغیب دانش‌آموزان جهت تکمیل آن از جمله مواردی است که می‌توان برای ایجاد انگیزه، خلاقیت و نوآوری در درس نگارش به‌کارگرفت.

**واژه‌های کلیدی:** انشا، خلاقیت، نوشتن خلاق، ارتقاء نوشتن

## مقدمه

زیربنای فرهنگ و تمدن هر ملتی، زبان آن ملت است. زبان هر ملت نیز در سه بخش تجلی می‌یابد: لغت، نثر و شعر. همین سه بخش است که ادبیات هر قوم و ملتی را تشکیل می‌دهد. یعنی آنچه می‌گوید، آنچه می‌نویسد و آنچه می‌خواند. تردیدی نیست که در جامعه‌ی متمدن، سهم نوشتن از گفتن بیشتر است. زیرا اجتماع انسانی از روزی به تمدن رسید که قلم به دست گرفت و آنچه می‌دانست یادداشت کرد، تا هم دانستنی‌هایش فراموش نشود و هم دیگران بتوانند از معلومات آن‌ها بهره‌مند گردند. از همین جا باید به اهمیت نقش قلم و آنچه می‌نویسد پی‌برد (دوانی، ۱۳۷۷: ۱۱).

انشا یکی از موضوعات ادبیات نیست، خود ادبیات است، نه مولد ادبیات که پدر ادبیات، نه شاخه‌ای فرعی در شجره‌نامه‌ی زبان و ادب که تنه‌ی اصلی و بلکه ریشه‌ی این درخت پرشاخ و برگ است. انشا و نگارش چشمه است، چشمه‌ای که سر از شکاف سنگی برمی‌آورد و از دامنه‌ی کوهی روانه می‌شود. حیات کوهستان به همین چشمه است. درختی که می‌بالد، گلی که می‌شکوفد، پرنده‌ای که بال می‌گشاید، چوپانی که می‌خواند و دهکده‌ای که بر دامنه‌ی کوه لمیده است، همه در تابعیت این چشمه و رودند. اینان خود نیستند، اگر این چشمه نباشد. انشا در کوهستان پر رمز و راز وجود آدمی چون چشمه‌ای است.

بدون تردید خلاقیت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ویژگی‌های انسان است که ابعاد و جنبه‌های زندگی و تمدن او را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. خلاقیت همیشه برای انسان با اهمیت بوده است. صاحب‌نظران خلاقیت را محور حرکت جهانی در قرن ۲۱ می‌دانند. عصر حاضر که دانش، فن‌آوری و تمدن انسان ویژگی‌های خاص و ممتازی یافته و به عنوان عصر فراصنعتی و عصر دانایی نامیده می‌شود، عصر توسعه‌فزاینده و پیشتازی پرشتاب خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها نیز هست (حسینی و محمودی، ۱۳۸۵).

اهمیت انشا به اندازه‌ای است که بی‌اغراق می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین هدف‌های نهایی و جلوه‌گاه دیگر دروس ادبیات به‌شمار آورد. یک دانش‌آموز ممکن است که هیچ‌گاه در زندگی به بعضی از کلمه‌ها یا شعرهای دشوار کتاب فارسی برخورد و به‌کارش نیاید، اما پیوسته به نوشتن نیاز دارد. یک «رسید» یا تقاضای ساده برای گرفتن پرونده‌ی تحصیلی و نامه‌های اداری یا خصوصی، تا زیباترین نوشته‌های ادبی و مقالات تحقیقی نشان می‌دهد که هرکسی در هر پایه‌ای از سال‌های عمر و در هر درجه‌ای از رشد علمی، عقلی و فرهنگی، خواه ناخواه نمونه‌هایی از این نوشته‌ها را می‌نویسد و از آن بهره می‌گیرد. در حقیقت، انشا ظرف تمامی دانسته‌های ادبی دانش‌آموز است. اگر کسی معنی یا املاي کلمه‌ای را می‌آموزد، برای این است که آن را درست به کار برد و اگر اندیشه‌های گوناگون و زیبایی‌های هنری را در شعرها و نوشته‌ها می‌بیند و احساس می‌کند، برای این است که اندیشه‌ای پر بار و استوار و بیانی زیبا و رسا به دست بیاورد (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۷۷۶). امروزه آموزش در اغلب کشورهای پیشرفته متحول شده و سعی می‌شود با شکستن چارچوب‌های آموزش سنتی و به‌کارگیری روش‌های جدید، آموزش‌ها موثرتر و کارا تر شود و بدین ترتیب فکر دانش‌آموزان پرورش یابد. با پیشرفت صنعت، رایانه و مخابرات، راه‌هایی برای بهبود امر یادگیری و دسترسی به اطلاعات بیشتر شده است تا یادگیری حالت خودآموز پیدا کند و بدین ترتیب با مشغول کردن افکار برای استقلال در یادگیری، موجب رشد تفکر خلاق و در نهایت باعث پیدایش آثار خلاق شود. به‌طور کلی معلمان باید برای حل مسائل، فرصت‌هایی را ایجاد کنند که نیازمند تفکر خلاق باشد.

## اهداف پژوهش

با توجه به این که درس انشا و نگارش به عنوان یکی از دروس پایه و اصلی در نظام آموزش و پرورش می باشد و در سال های اخیر به عنوان یک درس مستقل در برنامه ی درسی گنجانده شده است، دانش آموزان در دوره ی اول دبیرستان (پایه های هفتم، هشتم و نهم) و همچنین در دوره ی دوم دبیرستان (پایه ی دهم)، با ساختار نوشتار و اصول نوشتن آشنایی پیدا می کنند، لزوم شیوه ای نو و خلاقانه در درس نگارش پایه یازدهم احساس می شود. این موضوع نگارنده را بر آن داشت که به شیوه هایی نو و خلاقانه برای ارتقاء نوشتن خلاق در دانش آموزان بپردازد.

## سوالات پژوهش

۱. از چه شیوه هایی می توان برای ایجاد خلاقیت در درس انشا در دوره دبیرستان بهره گرفت؟
۲. زمینه های لازم برای نوآوری و خلاقیت در درس انشا در دانش آموزان دوره دبیرستان کدام اند؟

## پیشینه ی پژوهش

احمدی، بیگم رضازاده شیراز و امامقلی زاده گنجی (۱۳۹۱) در مقاله ای به بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت انشا نویسی دانش آموزان شهرستان ساوه پرداختند. نتایج به دست آمده نشان دادند که روش یادگیری مشارکتی نسبت به روش سنتی منجر به کاهش خطا و پیشرفت انشای دانش آموزان دختر و پسر شده است.

چراغ چشم (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان «بررسی تأثیر شیوه های تدریس مبتنی بر تکنیک های خلاقیت در آموزش و یادگیری دانش آموزان» شیوه های تدریس خلاقیت آفرین را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله خلاقیت و یادگیری تعریف و تشریح شده است. همچنین ضرورت پرورش خلاقیت در دانش آموزان، عوامل آموزشی مؤثر در خلاقیت، موانع خلاقیت و ویژگی های دانش آموز خلاق، بیان شده و در پایان چند روش تدریس که موجب پرورش خلاقیت می شوند، مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های این مقاله نشان می دهد که پژوهش، بستری مناسب برای تقویت و گسترش روحیه ی ابتکار، نوآوری و خلاقیت است. معلم به عنوان ایجادکننده شرایط و تسهیل کننده یادگیری دانش آموزان می تواند از طریق نوگرایی، انعطاف پذیری، عدم اجبار دانش آموزان به حفظ و انباشت ذهنی، شوخ طبعی، پرهیز از راهبردها و روش های قالبی آموزش، زمینه سازی برای ابراز وجود شاگردان و افزایش اعتماد به نفس در آنان، تحریک حس کنجکاوی فراگیران و بالاخره توأم ساختن آموزش با پژوهش به آموزش خلاق و پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان بپردازد.

گنجی، شریفی و میرهاشمی (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی اثر روش بارش مغزی در افزایش خلاقیت دانش آموزان پرداختند. نمونه مورد مطالعه به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند و گروه آزمایش به مدت سه ماه در جلسات بارش مغزی با موضوع های مختلف شرکت داشتند. نتایج نشان داد که روش بارش مغزی در افزایش خلاقیت گروه های آزمایش پسر و دختر مؤثر بوده است.

خروشی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «پرورش استعداد خلاقیت ادبی، آموزش نگارش خلاق در کلاس درس انشا» بیان کرده است که روش بديعه‌پردازی با نگاه تازه به امور آشنا، به‌گونه‌ای دیگر دیدن و رسیدن به درک تازه را ممکن می‌سازد و باعث پرورش و توسعه مهارهایی نظیر حل مسئله، جستجوگری، درک عمیق، بیان خلاق و بروز افکار جدید می‌شود.

## تعاریف عملیاتی

### انشا:

واژه‌ی انشاء، یک مصدر و کلمه‌ای عربی است و در لغت به معنای ایجاد کردن، پرورش، ابداع و خلق کردن می‌باشد. امروزه در ادبیات، انشاء (نگارش) جملات و عباراتی است که افکار و اندیشه‌های نویسنده را به‌گونه‌ای روشن و زیبا بیان کند و مورد پسند باشد (فدایی، ۱۳۹۰: ۱۳).

### نوشتن

واژه انگلیسی «نوشتن» برگرفته از لغت آلمانی *Writan* به معنای خاریدن است؛ به عبارت دیگر، هر نوشته‌ای به علت یک خارش یا تحریک ذهنی صورت پذیرفته است. این فرایند همچنین به همراه تفکر و تخیل معنای واقعی خود را پیدا می‌کند (حسنلو و محمودی، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

### خلاقیت:

خلاقیت عبارت است از به کارگیری کامل توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا راه‌حل یا مفهوم نو نسبت به خود شخص خلاق. بنابراین خلاقیت مجموعه‌ای از توانایی‌ها و خصیصه‌هاست که موجب تفکر خلاق می‌شود (همان: ۱۴).

## مبانی نظری پژوهش

### بررسی دیدگاه‌ها درباره‌ی نوشتار خلاق

نوشتار خلاق در واقع هم وابسته به جنبه‌های اجتماعی است و هم فردی، مطالعات نوشتار، به‌طور خاصی به سمت این مفهوم حرکت کرده‌اند که با وجود این که نقش نویسنده پراهمیت است، خلاقیت در نوشتن در پاسخ به مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی- فرهنگی صورت می‌پذیرد. در این صورت نویسندگان قادر نخواهند بود که خود را یک کل اساسی فرض کنند و در عوض خود را در یک فضای دوجانبه می‌انگارند که باید به محیط و امکانات موجود در آن پاسخ دهند. برخلاف استعاره‌های فردگرا (خودمحور) که نقش نویسنده و تفکر سیال نه ایستای او را بسیار با اهمیت‌تر از هر مسئله دیگری می‌دانند (فارمر<sup>۱</sup>،

<sup>۱</sup> Farmer

۱۹۹۵)، دیدگاه ساختارگرایی اجتماعی، بر این اساس استوار است که آنچه ما به طور معمول درباره‌ی دانش، دانشجویی، پژوهش و آموزش دانشگاه می‌گوییم، در دایره‌ی چرخشی بین قطب‌های بیرونی و درونی عینیت و ذهنیت قرار دارد. این فرض پایه‌ی جالب و مفیدی را برای آموزش خلاق انشاء بنا می‌کند. آلن کندی و همکاران (۱۹۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مجموعه‌ی الگوهای تغییر کلاسی» تلاش می‌کنند تا صداها‌ی موجود در نوشته‌های دانشجویان را شناسایی کرده و برانگیزند. در انجام این مهم آن‌ها دریافتند که در نهایت، موضع نویسنده را ماتریسی از تأثیرات محیط بر فرد تشکیل می‌دهد. این یافته‌ها به صورت غیرقابل اجتنابی عقیده دیگران را از فردگرایی صرف متحول می‌کند. به نظر کنت پروفی<sup>۲</sup> (۱۹۸۶)، تفکر ساختارگرایی اجتماعی، هدایتگر روش تفکر و صحبت ما در مورد کارهایی است که انجام می‌دهیم (حسنلو و محمودی، ۱۳۸۸: ۵۱).

واس<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) معتقد است در یک بافت مشارکتی مکالمه‌ای که بین افراد در مورد تخیلات و ایده‌های آنان صورت می‌گیرد، به عنوان یک مشارکت در بیان احساسات محسوب می‌شود و در این اجتماع کوچک مشارکت‌کنندگان حتی به صورت ناهوشیار درباره‌ی ایده‌های دیگران و خود به تفکر و تحلیل می‌پردازند که این نوع تجربیات در یک بافت انفرادی، هرگز تجربه نخواهد شد، زیرا بیان هریک از ایده‌ها مانند یک تجربه یا طوفان فکری مؤثر خواهد بود (همان: ۵۳).

## مدل‌هایی برای نوشتار خلاق

### الف) مدل فرایندی

پیانکو<sup>۴</sup> (۱۹۷۹) دو شکل اصلی آموزش نگارش را مطرح می‌کند:

۱. محصول‌مدار یا روش جزئی نگر؛ ۲. فرایندمدار یا روش کلی‌نگر.

پیانکو با ارائه مدل فرایندی نوشتن، معتقد است که معلمان باید توجه خود را از ارزیابی صرف و توجه به صحیح نوشتن دانش‌آموزان، به سمت بسط و توسعه‌ی کیفی مراحل و فرایند نگارش متمرکز سازند. نانسی سامرز<sup>۵</sup> (۱۹۸۰) نیز همانند پیانکو مدل‌های خطی در نگارش و توجه صرف به محصول را رد می‌کند. کرولی<sup>۶</sup> (۱۹۹۹) در تأیید مدل فرایندی فعالیت‌هایی که نویسندگان خلاق در زمان نگارش خود انجام می‌دهند به پنج گروه تقسیم می‌کند: (۱) ابداع، (۲) تنظیم، (۳) سبک، (۴) حافظه، (۵) ارائه. این مراحل از آنچه که فرد احساس می‌کند (درک مشکل، فرض مسئله) آغاز شده و به سمت تعریف مسئله (تعریف خاص) و بررسی اهمیت مورد (کیفیت) و در نهایت به سوی تعیین عملکرد (راهکار) هدایت می‌شود. نویسنده‌ی خلاق می‌تواند

<sup>۲</sup> Kenneth Bruffee

<sup>۳</sup> Vass

<sup>۴</sup> Pianko

<sup>۵</sup> Sommers

<sup>۶</sup> Crowley

از تنظیم و یا ارائه‌های مختلف در جهت مرتب کردن و زیبایی متن استفاده کند و برانگیختگی را تقویت کند و بحث را برای مخاطب شفاف سازد، به طوری که بیشترین تأثیر را بر مخاطب خود بگذارد (حسنلو و محمودی، ۱۳۸۸: ۵۶).

### ب) مدل شناختی

از سویی دیگر، پرل<sup>۷</sup> (۱۹۸۰) و فلاور و هیز<sup>۸</sup> (۱۹۸۱) مدل شناختی نگارش را ارائه می‌دهند و در مخالفت با نظریه پردازان روش فرایند، نشان می‌دهند که چگونه نیروهای بیرونی و درونی، فرایند نوشتن را هدایت می‌کنند. در این نظریه مهارت‌های تفکر در قالب ساختار سلسله مراتب اعمال ذهنی که بر نویسنده اثر می‌کند، بررسی می‌شوند. مدل کلاسیک خلاقیت نوشتاری که به-وسیله فلاور و هیز (۱۹۸۱) ارائه شد، بیانگر آن است که فرایند خلاقیت نوشتاری در واقع یک نوع حل مسئله پیچیده است که در برگزیده‌ی سه عامل، یعنی طرح‌ریزی (تولید و سازماندهی اطلاعات لازم برای نوشته و تعیین اهداف)، ترجمه (تبدیل طرح‌ها و افکار به نوشته مناسب برای بیان اهداف نوشتن) و مرور (ویرایش کردن و ارزیابی نوشته و یا اهداف نوشتار) است. این مدل تأثیر زیادی بر آموزش نوشتن دارد (چرنیوزکا<sup>۹</sup>، ۱۹۹۲).

### ج) مدل شاریپی

شارپی<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۹) معتقد است که نوشتن یک نوع حل مسئله نیست، در واقع، وی نوشتن خلاق را یک نوع فرایند طراحی بدون پایان فرض می‌کند، بدون این که برای آن هدف ویژه و مراحل خاصی را در نظر بگیرد. او خلاقیت نوشتاری را یک طراحی خلاق و ترکیبی خلاقانه از نحوها و سبک‌ها معرفی می‌کند. به عقیده‌ی او نوشتن خلاق یک نوع آفرینش ایده‌هاست که در آن احساسات نقش بسیار پر اهمیتی در گسستن تداعی‌های از پیش تعیین شده دارند. به نظر می‌رسد که مدل‌های پیشین توجه اندکی به جنبه‌های بین‌فردی و عاطفی داشته‌اند. شاریپی در مدل خود بیان می‌کند که مرکزیت یافتن احساسات است که باعث می‌شود تا بتوان خلاقیت عام، خلاقیت در طراحی و یا خلاقیت در نوشتار را از یک حل مسئله و یا آزمایش فرضیه‌ها را متمایز ساخت.

### د) مدل بوم‌شناختی

از طرف دیگر کوپر<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۶) مدل بوم‌شناختی نگارش را تعریف می‌کند. به اعتقاد وی مؤلفه‌ی اصلی این مدل آن است که نگارش، فعالیتی است که طی آن شخص به‌طور مستمر درگیر با گستره‌ای از نظام‌های اجتماعی است. در واقع، او اعتقاد دارد که ساختارها و فراساختارهای اجتماعی یک نوشته را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

<sup>۷</sup>Perl

<sup>۸</sup>Flower&Hayes

<sup>۹</sup>Czerniewska

<sup>۱۰</sup>Sharpies

<sup>۱۱</sup>Cooper

**۵) مدل پویای خلاقیت**

مدل پویای خلاقیت نوشتار که به وسیله سیکزنتی هالی (۱۹۹۹) مطرح شده است، این ایده را که خود فرد به تنهایی یک اثر خلاق می‌آفریند، رد می‌کند. هرچند که مدل پویای خلاقیت نگارش، نقش فرد را به عنوان خالق اثر، به روشنی نشان می‌دهد، اما توجه یکسانی نیز به نظام‌های اجتماعی تأثیرگذار بر فرد دارد. این مدل به سه عامل مهم در فرایند نگارش خلاق اشاره می‌کند: (۱) شخصی، (۲) زمینه، (۳) حوزه. به عقیده وی این سه عامل همان نقاط اتصالی هستند که ارتباطات پویای چرخشی را تشکیل می‌دهند. هر کدام از این سه عامل بر دیگری اثر گذاشته و از دیگری تأثیر می‌پذیرند. او همچنین به نقش زمان در تعیین میزان خلاقیت یک عمل یا اثر هنری اشاره می‌کند. اگرچه برخی از افراد ارزش‌های ادبی خاص و ثابتی را در متون ملاک قرار می‌دهند، یک نگاه سیستمی به خلاقیت نشان می‌دهد که گذشت زمان و تغییر سلیقه افراد در فرایند خلاق، اثر می‌گذارد.

**خلاقیت در نگارش**

خلاقیت نوشتاری متضمن زایش و آفرینندگی است. در این مرحله ایده‌های خلاق از طریق تداعی، بسط و گسترش می‌یابند و در ادامه با تبدیل این ایده‌ها به متن نوشته، پیش می‌رود و به‌طور معمول با بازیابی تجارب هیجانی و احساسی از مخزن حافظه همراه می‌شود که محرکی برای نوشتن و خلق انشاء محسوب می‌شود. انشا با خلاقیت، خویشاوندی نزدیک دارد. اصلاً انشا زمانی وجود پیدا می‌کند که خلاقیتی اتفاق می‌افتد و فرد چیزی را می‌گوید که قبلاً دیگران نگفته‌اند، به حوزه‌ای می‌رود که قبلاً دیگران وارد آن نشده‌اند. انیشتین یک انشانویس قادر بوده است. وقتی او نسبت را برای بشر تعریف می‌کند، به دنبال آن، بشر می‌تواند تعریف و تفسیر دیگری از جهان و نیروهایش ارائه دهد. انشاء زمانی به وجود می‌آید که فرد با علت و معلول‌های موجود بازی کند. علت و معلول‌ها را پس و پیش کند، کوچک و بزرگ کند، متضاد کند و با بازی کردن علت و معلول به حوزه‌های جدیدی وارد شود که قبلاً دیگران وارد نشده‌اند (سیف‌نراقی و نادری، ۱۳۷۹: ۶۵).

**ویژگی‌های افراد خلاق**

ویژگی‌هایی برای افراد دارای تفکر خلاق و آفریننده برشمارده‌اند (حسنلو و محمودی، ۱۳۸۸: ۱۹) که عبارتند از:

(۱) تمایل به داشتن نظم و ترتیب در امور

(۲) کنجکاوی زیاد

(۳) داشتن انگیزه‌ی قوی برای پیشرفت

(۴) داشتن قدرت استقلال و ابراز اندیشه

(۵) تفکر شهودی

(۶) داشتن طرز تفکر انتقادی

۷) علاقه‌مندی به آثار هنری و ادبی

۸) تأثیر گذاشتن بر محیط و دیگران

**مراحل هفت‌گانه‌ی بهبود انشا**

**مرحله‌ی اول: آشناکردن دانش‌آموزان با کلاس انشا**

آشنایی دانش‌آموزان با اهداف انشانویسی، آموزش دانش‌آموزان برای ایجاد تنوع بیشتر در کلاس انشا، تأکید بر اجرای حُسن شروع در کلاس انشا، لزوم استفاده از پوشه برای این درس.

**مرحله‌ی دوم: ساختن جمله با بهره‌گیری از حواس پنجگانه**

بیان اهمیت استفاده از حواس پنجگانه در نوشتن انشا، آموزش آرایه‌ی ادبی تشبیه.

**مرحله‌ی سوم: نوشتن با واژه‌های پراکنده**

پرورش قدرت تمرکز دانش‌آموزان روی واژه‌ها، توانایی ایجاد هماهنگی بین واژه‌ها و نوشتن یک موضوع واحد از این واژه‌های پراکنده، آزادگذاشتن دانش‌آموزان در نوشتن موضوعات عینی و تخیلی، آموزش مجدد پاراگراف‌بندی به دانش‌آموزان، آموزش نشانه‌گذاری، آموزش آرایه‌ی ادبی شخصیت‌بخشی، دقت در انتخاب عنوان نوشته، توانایی ارزیابی نوشته‌ها.

**مرحله‌ی چهارم: انشای تصویری**

برانگیختن قدرت تمرکز در بین دانش‌آموزان، تقویت قوه‌ی دقت در آنان، ایجاد تنوع در کلاس.

**مرحله‌ی پنجم: کامل کردن**

شناخت دانش‌آموزانی که در زمینه‌ی داستان‌نویسی استعداد دارند، آموزش استفاده‌ی مناسب از زبان گفتاری و نوشتاری، پرورش قدرت تخیل و تفکر دانش‌آموزان، علاقه‌مند کردن آنان به شعر، آشناکردن با شاعران به‌ویژه شاعران معاصر که برای این گروه سنی شعر سروده‌اند.

**مرحله‌ی ششم: توصیف**

آموزش انواع توصیف به دانش‌آموزان، آموزش مشاهده‌ی دقیق و جلب توجه آنان به جزئیات و کشف چیزهای تازه، ایجاد انگیزه و تنوع در کلاس، آموزش نوشتن داستان کوتاه و نوشته‌های ادبی.



**مرحله‌ی هفتم: تشکیل کارگاه‌های انشانویسی**

تأکید بر گروه‌بندی دانش‌آموزان در کلاس انشا، آموزش کار گروهی در کلاس، آشنایی هر گروه با قالبی که در آن فعالیت می‌کنند، آشنایی دانش‌آموزان با ویژگی‌های یک نوشته‌ی خوب، آشناکردن دانش‌آموزان به مطالعه‌ی مجلات و روزنامه‌های گروه سنی نوجوان.

**عوامل مؤثر بر پرورش خلاقیت نوشتاری****استفاده از الگوی بدیعه‌پردازی**

ویلیام گوردون، ابداع‌کننده‌ی این الگو، پایه‌های کار را بر خلاقیت می‌گذارد. وی معتقد است جریان خلاقیت به هیچ‌وجه اسرار-آمیز نیست؛ یعنی می‌توان آن را به خوبی توصیف کرد و آموزش داد. دیگر این‌که خلاقیت تنها در هنر نهفته نیست؛ در همه رشته‌ها وجود دارد و تفکر خلاق و ابداع‌های آنان شباهت‌هایی دارد. گردون معتقد به عاطفی بودن جریان خلاقیت است؛ یعنی به نظر او بُعد عاطفی از بُعد عقلی در این جریان مهم‌تر است. درواقع، استفاده از قیاس و استعاره پایه اساسی بدیعه‌پردازی است و به وسیله فعالیت استعاری، بدیعه‌پردازی تبدیل به جریانی آگاهانه می‌شود (جویس، ۱۳۷۵: ۳۲۷). برای نمونه، از دانش‌آموزان می‌خواهیم که دو چیز را با هم قیاس کنند. برای قیاس می‌توان از دو الگوی قیاس شخصی و قیاس مستقیم استفاده کرد.

ایجاد قیاس‌های شخصی نیازمند آن است که شاگردان با نظرات یا موضوعاتی که مقایسه می‌شوند احساس همدلی داشته باشند. دانش‌آموزان باید احساس کنند که خود قسمتی از عناصر در جسم خود مسئله‌اند. اما در قیاس مستقیم، مقایسه ساده دو موجود یا دو مفهوم است. در این مقایسه نباید تمام جهات لزوماً همسان باشند (همان، ۳۳۴).

در بدیعه‌پردازی دو الگوی تدریس وجود دارد:

- غریب گرداندن مفهومی آشنا

- آشنا گرداندن موضوعی غریب

روش اول به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا موجودات آشنا را به گونه‌ای ناآشنا بنگرند و با ایجاد فاصله مفهومی به درک جدیدی برسند. همواره طی مراحل تدریس، معلم کنترل‌کننده و هدایت‌گر است. اما روش دوم مشکل‌تر است. در این روش، تحلیل جای فاصله مفهومی را می‌گیرد. تفاوت عمده میان این دو راهبرد در استفاده از قیاس نهفته است. در راهبرد اول شاگردان بدون محدودیت‌های منطقی از دسته‌های قیاس‌ها می‌گذرند، فاصله مفهومی زیاد می‌شود و تخیل هرچه بیشتر بارور می‌گردد. دانش‌آموزان در راهبرد دوم سعی می‌کنند دو فکر را به هم ربط دهند و ربط‌ها را در حالی که از قیاس‌ها می‌گذرند، تعیین نمایند (جویس، ۱۳۷۵: ۳۵۱). مثال: معلم از شاگردان می‌خواهد تا به میل خود کلماتی را بیان کنند و این کلمات روی تخته نوشته می‌شود: درخت، بهار، معلم، باغ، شمع، مادر و... معلم به طور اتفاقی کلمه مادر را انتخاب می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد کلماتی را بیان کنند که بتوان آن‌ها را با کلمه مادر مقایسه کرد: باغبان، درخت، خورشید، شمع، فرشته. سپس معلم یکی از کلمات را انتخاب می‌کند یا این‌که از دانش‌آموزان می‌خواهد یک کلمه را انتخاب کنند، مثل درخت آن‌گاه از دانش‌آموزان می‌خواهد، خود را به جای درخت بگذارند و هرچه به ذهنشان می‌رسد بنویسند. سپس چند نمونه از نوشته‌ها خوانده

می‌شود. در این مرحله از دانش‌آموزان انتظار می‌رود آنچه را که نوشته‌اند، با موضوع «مادر» ربط دهند و در چند سطر بنویسند. در پایان معلم از فراگیران می‌خواهد آنچه در مورد مادر به ذهنشان می‌رسد بنویسند. بدون شک تمام شاگردان بخصوص آن‌هایی که از کاغذ و قلم ترس دارند و از مخاطره اشتباه فرار می‌کنند، با اعتماد به نفس آمادگی این را خواهند داشت تا مطالبی پیرامون موضوع نظر بر صفحه‌ی کاغذ بنگارند.

### تفکر همگرا و تفکر واگرا

گیلفورد اعتقاد دارد که تفکر انسان‌ها بر دو نوع است: تفکر همگرا و تفکر واگرا. تفکر همگرا، نتیجه و ماحصل تفکر از پیش معلوم است، تفکری که منجر به پاسخ معمولی و تنها پاسخ درست و از پیش تعیین شده می‌شود. در تفکر همگرا، دانش‌آموز هیچ کوشش ذهنی و فکری نمی‌کند چرا که پاسخ مسئله آشکار است و مسئله‌ای مطرح نمی‌شود که دانش‌آموز آن را حل کند. مثلاً پرسش‌هایی که پاسخ آنها دقیقاً در متن درس پیدا می‌شود، از گونه‌ی تفکر همگرا هستند. در این نوع تفکر، دانش‌آموز با دیگران هم‌رنگ می‌شود، زیرا اکثریت در پاسخ، هم‌رأی و هم‌آواز هستند و کسی بر آن خرده نمی‌گیرد و پاسخی خلاف آن نمی‌دهد. با اندکی دقت می‌توان دریافت که در تفکر همگرا، اکثر دانش‌آموزان مثل هم فکر می‌کنند و در نهایت تفکر آن‌ها قالبی و شکل‌گرفته است. اما در تفکر واگرا که مورد نظر بسیاری از روان‌شناسان و علمای تعلیم و تربیت است، اندیشیدن چارچوب مشخصی ندارد. فرد با دیگران ناهمنوایی می‌کند و مثل آنان نمی‌اندیشد و در نتیجه مثل آنان نیز پاسخ نمی‌دهد، در تفکر واگرا دانش‌آموز با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شود که برای حل آن درگیری ذهنی پیدا می‌کند، مثلاً در درس انشا، پرسشی مطرح می‌شود که جواب مشخصی ندارد و هر دانش‌آموزی می‌تواند پاسخی بدهد. هرچند که وضعیت قبلی درس انشا چنین نیست، چرا که دانش‌آموز نمی‌تواند برخلاف نظر معلم و کتاب و دیگران فکر کند یا بنویسد. گیلفورد برای تفکر واگرا سه ویژگی معرفی می‌کند: (۱) انعطاف‌پذیری با نرمش، (۲) سیالی، (۳) اصالت. در انعطاف‌پذیری کلیه‌ی پاسخ‌هایی که به نظرش می‌رسد بازگو می‌کند؛ در سیالی دانش‌آموز بیش از دیگران به سؤالات طرح شده، پاسخ می‌دهد و در اصالت، دانش‌آموز مثلاً برای داستان یا درسی عنوان‌های غیرمعمول را انتخاب می‌کند، هرچه عنوان انتخابی او تازه و غیرمعمول‌تر باشد، فکر او اصل‌تر است (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۹۹۸).

### معلم و پرورش خلاقیت در دانش‌آموز

نویسندگی خلاق قابل تدریس و تعلیم نیست، فقط می‌توان آن را فرا گرفت. معلم نمی‌تواند به کسی یاد دهد چگونه بنویسد، بلکه قادر است به او نشان دهد که چگونه بهتر بنویسد. معلم می‌تواند هدایت کند، رهبری نماید، راه را نشان دهد، می‌تواند از تلف شدن وقت دانش‌آموز جلوگیری نماید و سال‌ها او را به جلو براند و این کار را از طریق توجه به میان‌برها انجام دهد. او می‌تواند به دانش‌آموز کمک کند تا بر مشکلات و سدهای عاطفی و احساسی که او را از نوشتن باز می‌دارد، غلبه کند، حتی می‌تواند جرقه‌ای را سبب شود و آتشی در وجود او به پا کند (زیگلر، ۱۳۶۸: ۱۱).

معلم نقش مهمی در رشد کودکان خلاق و متعهد بازی می‌کنند. معلمی که از انگیزه‌ی خلاق برخوردار است، هم‌الگویی برای خلاق بودن واقع می‌شود و هم خلاقیت دانش‌آموز را تقویت می‌کند (سام‌خانیان، ۱۳۸۴: ۷۵). فضای خلاق زمانی ایجاد می‌شود که معلم دانش‌آموزان را تحت فشار قرار ندهد، به طوری که آن‌ها بتوانند ذهن خود را رها کنند. یکی از روش‌های غلطی که مانع ایجاد خلاقیت می‌شود، این است که به دانش‌آموزان بگوییم برای نوشته‌های خود مقدمه، متن و نتیجه‌گیری در

نظر بگیرند، یا حتماً پانزده یا بیست سطر بنویسند. نوشتن مطلب در سطرهای نامحدود باعث می‌شود کودک یا نوجوان در هر سقف زمانی و هر تعداد سطری که می‌تواند مطلب را به پایان برساند. اگر دانش‌آموز نتواند احساس و اندیشه‌ی خود را در قالب کلمات ارائه دهد، چارچوب مقدمه، متن و نتیجه هم یک ظرف شکسته‌ی خالی بیش نخواهد بود. معلم باید به او اجازه دهد مهارت نوشتن را کسب کند، بعد دانش‌آموز آن‌ها را در قالب‌های گوناگون می‌ریزد. به جای ایجاد محدودیت می‌توان از دانش-آموزان خواست که هرگاه حس کردند مطلب را کامل کرده‌اند، نوشته‌شان را به پایان رسانند. علاوه بر این، معلم می‌تواند با ایجاد فضایی شاد و نشاط‌برانگیز در کلاس، ذهن دانش‌آموزان را از رخوت و خمودگی نجات دهد. معلم موفق معلمی است که دنیای دانش‌آموزان را به خوبی بشناسد و شناختن دنیای آن‌ها جز با شناخت علایق آن‌ها حاصل نخواهد شد. کلاس انشا بیش از هر کلاس دیگری می‌تواند در شناخت و بازخوانی اندیشه‌ها و عواطف به دانش‌آموز کمک کند، علاوه بر این شناخت افکار، بیان اندیشه‌ها و دانسته‌ها نیز از طریق نوشتن امکان‌پذیر است. در واقع معلم انشا روش دیگری غیر از گفتار و بیان شفاهی به دانش-آموز ارائه می‌نماید و او را برای بیان «خود» به زبانی دیگر، مجهز می‌نماید (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۵۸).

از میان راهکارهای ارائه شده در پیشینه‌ی تحقیق، راهکارهای زیر توسط نگارنده‌ی این سطور در نگارش خلاق دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه‌ی دوم (پایه‌ی یازدهم) در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ به کار گرفته شد، که نتایج چشمگیری را به همراه داشت.

### خواندن نمونه‌های خوب از داستان و نثر در کلاس

قصه و داستان برتخیل و تصور دانش‌آموز تأثیرگذار هستند. معلم نمونه‌های خوب، شیوا و عالی از نویسندگان بزرگ، درخور فهم و متناسب با ذوق عمومی کلاس برای دانش‌آموز می‌خواند، این کار باعث پرورش حس زیبایی شناسی آنان می‌شود. علاوه بر شنیدن واژه‌ها و جملات، عواطف و اندیشه‌ی دانش‌آموز درگیر می‌شود، تجربیات حسی، عاطفی و زبانی‌ای که در حافظه‌ی او ذخیره شده‌اند، فعال می‌شوند. همچنین خواندن داستان منجر به گسترش دایره‌ی واژگان می‌شود. شنیدن یا خواندن واژه‌ها در متن در صورتی که فرد فضای ارتباطی مناسب داشته باشد و بتواند با تکرار و تمرین، واژه‌های فراگرفته را در گنجینه‌ی لغات خود حفظ نموده و در بیان و نوشتار از آنها استفاده کند، بسیار مؤثر می‌باشد. یکی دیگر از فواید خواندن داستان آشنایی با توصیف و انشای توصیفی است که دانش‌آموز پس از شنیدن داستان، با الگوبرداری درصدد توصیف خصوصیات ظاهری و روحی شخصیت مورد نظر است. مثلاً با شنیدن این توصیف از جلد یک، کتاب کارنامه‌ی سپنج محمود دولت‌آبادی «قد نسبتاً کشیده-ای داشت که کمی پشتش را خمیده نشان می‌داد. چهره‌اش سفید و کم‌گوشت بود، دماغ کشیده و نوک تیز و پیشانی صاف و مرتبی داشت که در ورزش باد قسمتی از آن را موهایش می‌پوشاند. حالت چشمانش آرام بود و در قعرشان موجی از غم در آرامشی ناگوار یخ بسته بود. چانه‌ی استخوانی و صافی داشت که دهانش را زیباتر جلوه می‌داد، موهای بلندش که دور گوش‌ها و گردنش را پوشانده بود، قدری تیره‌تر از رنگ ساقه‌های درو شده‌ی گندم بود، در کنار لب‌هایش، دو چین ملایم نمود داشت که نشانه‌ی خشم پنهان و مهار شده‌ی او بود». دانش‌آموز می‌تواند چهره، مو، لب، دهان، بینی، چشم، گوش، ابرو، گونه، پیشانی و دست و پا‌های شخصیت مورد نظر را به خوبی توصیف کند.

### استفاده از داستان نیمه تمام

معلم انشا، برای پرورش تخیل و در نتیجه تفکر خلاق، داستان‌های نیمه‌تمامی در کلاس طرح می‌کند تا دانش‌آموزان با تفکر درباره‌ی آن و با تخیل خود آن را کامل کنند. برای مثال، وارد خانه شد. صدا زد، جوابی نشنید دوباره صدا زد، سکوت همه جا را فراگرفته بود...

نکته‌ی قابل توجه این است که معلم انشا باید حوصله و ظرفیت لازم را داشته باشد تا بتواند همه‌ی نوشته‌ها را بخواند و از این طریق دانش‌آموزان خود را از نظر میزان تفکر آنان شناسایی کند. این شیوه سایر مهارت‌های زبانی را نیز تقویت می‌کند.

### نقد و بررسی نوشته‌ی دانش‌آموزان توسط همکلاسی خود

با نقد و بررسی نوشته‌های دانش‌آموزان توسط دوستان خود، در یک فضای دوستانه و به دور از فضای تخریب و استهزا، علاوه بر اینکه اخلاق نقد کردن و نقد شدن را فرامی‌گیرند، ایرادهای موجود در نوشته خود را شناسایی و در صدد برطرف کردن آن بر می‌آیند. همچنین اعتماد به نفس و قدرت سخنوری آنان نیز به طور چشمگیری افزایش می‌یابد و از نوشته‌های دوستان خود تأثیر بپذیرد.

### استفاده از موسیقی خیال‌انگیز و آهنگ بی کلام در کلاس

تأثیر موسیقی بر روان انسان از حقایقی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. موسیقی نمونه‌ی موفقی از خلاقیت بشر است که روح را به حرکت و می‌دارد، می‌تواند انسان را آرام یا هیجان‌زده کند. در موسیقی بی‌کلام چون شعری وجود ندارد، ملودی، تن، آهنگ و ریتم است و ذهن را درگیر می‌کند. دانش‌آموزانی که انگیزه‌ای در انجام تکالیف ندارند با شنیدن موسیقی انرژی مثبتی می‌گیرند، ذهن آن‌ها را آرام می‌کند و آشفستگی‌های آنان را از بین می‌برد. گوش دادن به موسیقی به عنوان یک عامل اثرگذار در ایجاد تخیل و آرامش و نشاط روحی و در نهایت بهبود سطح نوشتار خلاق دانش‌آموزان بسیار مؤثر می‌باشد.

### پیشنهادهات:

پیشنهاد می‌شود دبیران نگارش و انشا، دانش‌آموزان را محدود به چهارچوب و قالب خاصی ننمایند و اجازه دهند هرآنچه که به ذهنشان خطور می‌کند در قالبی آزاد به کار گیرند تا از قالب نگارش کلیشه‌ای بیرون آمده و غلیان احساسات و عواطف، باعث به وجود آمدن ساختار جدید و نوآورانه شود.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی و گردآوری شیوه‌های مؤثر در نگارش خلاق در پیشینه‌ی پژوهش صورت گرفت که مجموعه‌ی این راهکارها در بخش مبانی نظری به صورت مفصل مورد بحث قرار گرفت. از میان شیوه‌های مطرح در پیشینه، خواندن نمونه‌های خوب از داستان و نثر در کلاس، استفاده از داستان نیمه‌تمام، نقد و بررسی نوشته‌ی دانش‌آموزان توسط همکلاسی خود و استفاده از موسیقی خیال‌انگیز و آهنگ بی کلام در کلاس، به وسیله‌ی نگارنده در یک دوره‌ی سه ماهه در پایه‌ی یازدهم

مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از کاربست این روش‌ها نشان داد، این شیوه‌ها باعث شکوفایی و خلاقیت در نوشتار دانش‌آموزان می‌شود، به طوری که دانش‌آموزانی که قبل از به کارگیری روش موسیقی بی‌کلام، حتی حاضر به نوشتن نمی‌شدند، با ایجاد حس و انگیزه در آن‌ها از طریق پخش موسیقی بی‌کلام، توانستند احساسات درونی خود را تا بیش از بیست سطر به رشته‌ی تحریر درآورند. شیوه‌ی خواندن داستان، باعث شد که دانش‌آموزان بتوانند به شیوه‌ی مناسب به توصیف صحنه‌های مورد نظر بپردازند. همچنین بیش از نود درصد از دانش‌آموزان پس از دوماه آموزش قادر بودند به خوبی داستان‌های نیمه‌تمام را با استفاده از تخیل خود به اتمام برسانند که نگارش و واژه‌گزینی آنها به‌طور چشمگیری پیشرفت داشت. با نقد و بررسی و ارزیابی نوشته‌های دانش‌آموزان توسط دوستان خود، ایرادهای موجود در نوشته خود را شناسایی و برطرف نمودند. همچنین اعتماد به نفس و قدرت سخنوری آنان نیز به‌طور چشمگیری افزایش یافت. می‌توان چنین نتیجه گرفت که چهار شیوه‌ی ذکر شده از میان دیگر شیوه‌ها به‌طور معناداری توانسته است در ارتقاء خلاقیت نوشتاری دانش‌آموزان مؤثر باشد.

## منابع

- بروس، جویس (۱۳۷۵). *الگوهای تدریس* (ترجمه دکتر محمد رضا بهرنگی). تهران: انتشارات نور.
- چراغ‌چشم، عباس (۱۳۸۶). بررسی تأثیر شیوه‌های تدریس مبتنی بر تکنیک‌های خلاقیت در آموزش و یادگیری دانش‌آموزان، *مجله تربیت اسلامی*، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، دوره ۳، شماره ۵، ۳۵-۷.
- حسنلو، ژیلما؛ محمودی، نورالدین (۱۳۸۸). *خلاقیت نوشتاری و هنر نوشتن*. تهران: انتشارات چاپار.
- حسینی‌نژاد، سیدحسین (۱۳۸۹). *کتاب نگارش، ره‌یافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا*. تهران: انتشارات لوح زرین.
- خروشی، پوران (۱۳۸۹). *پرورش استعداد خلاقیت ادبی، آموزش نگارش خلاق در کلاس درس انشا، سومین کنفرانس ملی خلاقیت‌شناسی و مهندسی مدیریت و نوآوری در ایران*.
- دوانی، علی (۱۳۷۷). *هنر نویسندگی: رهنمودی برای نویسندگان، گویندگان و خوانندگان*. تهران: نشر مطهر.
- زیگلر، ایزابل (۱۳۶۸). *هنر نویسندگی خلاق* (مترجم: خداداد موقر). تهران: انتشارات پانوس.
- سام‌خانیان، محمدربیع (۱۳۸۴). *خلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی*. تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹). *روان‌شناسی پرورشی*. تهران: انتشارات آگاه.
- فدایی، محمدرضا؛ فدایی، سیده لاله (۱۳۹۰). *بهرتر انشا بنویسم*. تهران: انتشارات چاپار.
- محمودی، نورالدین (۱۳۸۶). *عوامل اجتماعی مؤثر بر خلاقیت*. *مجله رشد تکنولوژی آموزشی*. شماره هشتم.
- میرهاشمی، ملک؛ شریفی، حسن‌پاشا؛ گنجی، حمزه (۱۳۸۴). *اثر روش بارش مغزی در افزایش خلاقیت دانش‌آموزان*، *نشریه تربیت*، دوره ۲۱، شماره ۱، ۸۹-۱۱۲.